

سی و سه پل

سی و سه پل

سی و سه پل یا پل الله‌وردی خان پلی است با ۳۳ دهانه، ۲۹۵ متر طول و ۱۴ متر عرض، که توسط الله‌وردی خان بر روی زاینده‌رود در شهر اصفهان و همزمان با حکومت شاه عباس صفوی ساخته شده و محل برگزاری مراسم جشن آبپاشان و همچنین مراسم خاج‌شویان ارامنه ی اصفهان در دوره ی صفویه بوده است.

سرپرسی سایکس این پل از پل‌های درجه اول عالم، شاردن آن را شاهکار معماری و شگفت‌آفرین و دن گارسیا آن را از بهترین آثار معماری ایران می‌دانند. و به قول لرد کرزن «انسان هیچ انتظار ندارد برای دیدن آنچه که روی هم رفته می‌توان آن را باشکوه ترین پل دنیا نامید، ناچار از مسافرت به ایران باشد». [۶] دن گارسیا در این باره می‌نویسد: «این پل نیز از بناهای الله وردی خان است و با اینکه دشمنان و حاسدانش می‌گویند این بنا با پول ساخته شده است، نمی‌توانند انکار کنند که بانی شخص اوست. اما باور عموم مردم که حقیقت نیز همان است، این است که الله وردی خان پل را به خرج خود ساخته است».

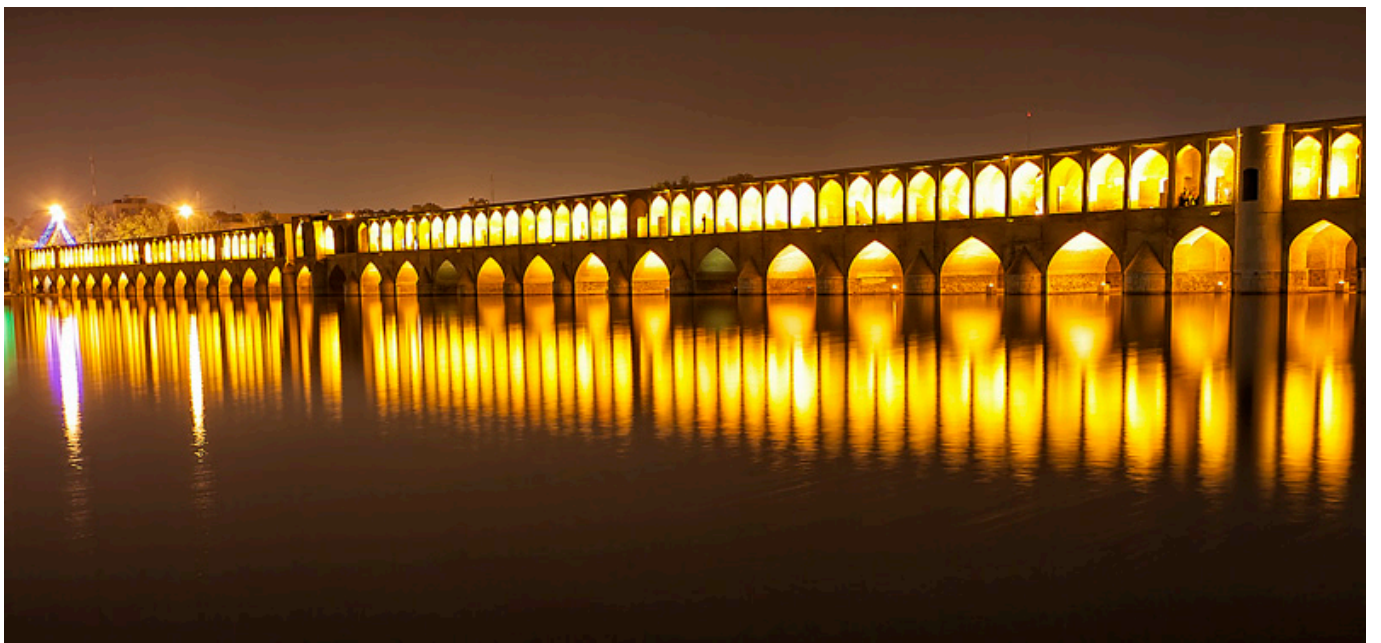
یکی از شعرای دوره صفویه به نام شیخ علی نقی کمره‌ای تاریخ بنای پل را در شعری به گونه‌ی ماده تاریخ، سال ۱۰۰۵ هجری به حساب آورده‌است و این سال، درست هم‌زمان با روزهایی است که خیابان بی‌همتای چهارباغ هم ساخته شده‌است. سی و سه پل، چهارباغ عباسی را به چهارباغ بالا متصل می‌کند.

این اثر در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۱۱۰ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است.











و به روایتی دیگر:

این پل در سال (۱۰۱۱ ه.ق) باهتمام اللهوردیخان سپهسالار شاه عباس و بنا به فرموده شاه مزبور شروع به ساختمان گردید و به طوری که در عالم آرای عباسی نوشته شده دارای چهل چشمه (دهانه) بوده که از هر چشمه آب خارج می‌گردیده، پلی بسیار عریض و طویل و مرتفع، شالوده آن با سنگ و آهک ریخته شده و با آجر و گچ بالا رفته و دو طرف پل غرفات و غلام گردشهای بلند فوقانی ساخته و چشمه های زیرینش زیاد با عرض و مرتفع و طول آن ۳۵۰ قدم و عرضش بیست قدم و شش معبر باین شرح داشته است:

۱- راه وسط که مخصوص عبور سواره و گردونه‌ها بوده است. ۲ و ۳ دو طرف پل که از میان گالاریهای زیبا می‌گذشت و به پیاده‌رو تخصیص داشت. ۴ و ۵ پشت بامهای گالاری از دو طرف که دور آن نرده داشته و موقع طغیان رود تفرجگاه باشکوهی بوده است، سرانجام گالاریهای پل به وسیله پله‌های ظریف بزیر پل متصل می‌شد و از زیر پل هم موقع کم آبی عبور می‌کردند. ۶ از زیر پل بود.

مساحت این پل را سیاحان انگلیسی چهارصد و نود یارد تعیین کرده‌اند. هفت دهانه این پل گرفته شده و اکنون ۳۳ دهانه دارد و از این رو به پل ۳۳ چشمه شهرت دارد.

این پل را بنامهای: پل شاه عباسی - پل اللهوردیخان - پل جلفا - پل چهل چشمه - پل سی و سه چشمه خوانده‌اند و وجه تسمیه هر یک چنین است: ۱- پل شاه عباسی از آن جهت گویند که شاه عباس اول دستور بنای آن را داده است و چون بمباشرت و اهتمام اللهوردیخان ساخته شده به پل اللهوردیخان معروف گردیده و از لحاظ اینکه معبر مردم به جلفا بوده آن را پل جلف هم گفته‌اند و چون در ابتداء چهل چشمه داشته پل چهل چشمه و اینک سی و سه چشمه دارد به پل سی و سه چشمه اشتهار دارد.

این پل برای اتصال خیابان چهار باغ کهنه عباسی به خیابان چهارباغ بالا و باغ هزار جریب و عباس آباد ساخته شده است. این پل در جشن آبریزگان و آب پاشان محل اجتماع شاه و بزرگان و شعراء و رجال و سایر مردم بوده است.

شرحی را که سرپرسی سایکس انگلیسی راجع به این پل نوشته از نظر اینکه بسیار دقیق و وضع پل را در آخر قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری مجسم می‌نماید عیناً در اینجا نقل می‌گردد:

خیابان با شکوه چهارباغ از یک طرف به پل اللهوردیخان کشیده می‌شود، که با این که حالیه روی بویرانی نهاده معذا از پل های درجه اول عالم به شمار می‌آید، اینجا از یک شاهراه سنگ فرش شده وارد مدخل عمومی پل می‌شوند شکل فوق العاده و شگفت آور این پل که ۳۸۸ یارد طول آنست مقابل یک جاده سنگ فرش شده‌ای به عرض ۳۰ پا بدین قرار ایت که در آن سه معبر در سه

سطح مختلف تعبیه شده که یکی از آنها راه معمولی روی پل است که در دو طرف آن طاق نماهای سرپوشیده ساخته‌اند. طاقنماها از طرفی ورودخانه و از طرفی به همین جاده مشرف می‌باشند، در بالا و پائین این طاقنماها که با تابلوی نقاشی شده تزئین یافته بود هر کدام یک پیاده روهای است که با پله کانه‌ها باین راه اصلی وصل می‌شود و در کنار سطح ورودخانه معبر دیگری است که به طول ورودخانه امتداد می‌یابد. تنها انتقاد مخالفی که برای ساختمان این پل می‌شود کرد و آن از تصویر هم نمایان است آنکه، پل مزبور در مقابل جریان ضعیف و باریک زنده رود در بیشتر فصول سال بیش از، اندازه جنبه ظرافت دارد.

در تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان درباره این پل تاریخی چنین نوشته است:

در انتهای جنوبی خیابان چهارباغ پل اللهوردیخان است که به نام بانی و سازنده آن خوانده می‌شود و در همان موقعی که شاه عباس دستور کاشتن درختان چهارباغ را می‌داده رفیق و سپهسالار شاه نیز در ساختمان این پل به وسیله آجر و سنگ تراش فعلیتی به خرج می‌داد، وضعیت این پل با قدیمش تفاوت زیادی نکرده است. ایوانچه‌ها و غرفه‌های زیبا و متناسب طرفین پل که جای نشستن اهالی و عبور و مرور است به همان حالت اولیه باقی مانده است. طول این پل ۲۹۵ متر و عرضش ۱۳/۷۵ متر می‌باشد. نوشته‌اند که در ابتدا چهل چشمه داشته و به تدریج سی و سه چشمه شده در سنوات اخیر قسمت زیادی از بستر رودخانه را تصرف کرده و اشجاری غرس نموده بودند به طوری که چند چشمه پل از عبور آب محروم گشته ممکن بود بکلی متروک شود وی در سال ۱۳۳۰ که آقای مصطفی خان مستوفی ریاست شهرداری اصفهان را داشت شهامت و شجاعت به خرج داد و اراضی مزبور را از تصرف غاصبین خارج و مجرای عبور آب چشمه‌ها را باز کرد و اقدام به ساختمان دیوارهای سنگی در طرف شما رودخانه نموده که نوز آثارش پابرجا و عملیاتی زبانه‌زد مردم این شهر است. در دوره صفویه آرامنه حق داشتند تا میدانی که اول پل احداث شده بود جمع شوند و مال‌التجاره و صنایع خویش را با صنعتگران اصفهانی تبدیل نمایند و حق نداشتند از این پل عبور کرده داخل شهر شوند در جل این پل مجسمه رضا شاه کبیر بر روی ستونی با ارتفاع ۵ متر دیده می‌شود که اسبی سوار و به طرف شما متوجه است اطراف این مجسمه فعلاً میدان ۲۴ اسفند و با میدان مجسمه نامیده می‌شود.

در شمال شرقی پل یعنی اول خیابانی که به طرف شرق امتداد دارد ساختمان آجری است که بپاد مقبره کمال الدین اسماعیل (قبرش در جهانباره است) ساخته شده و خیابان مزبور به نام آن بزرگوار نامیده می‌شود که به طرف پل جوئی و خواجه امتداد دارد.

به طوری که ملاحظه شد گفتار تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان وضع پل زاینده رود را در گذشته و حال تشریح کرده و اقتضاء داشت که برای استحضار سرگذشت پل ایام گوناگون درج گردد.

تاورنیه سیاح فرانسوی راجع باین پل در سفرنامه خود که نظم الدوله ابوتراب نوری آن را ترجمه کرده چنین نوشته است:

پلی که در وسط خیابان تقاطع می‌کند موسوم به پل اللهوردیخان که بانی آن بوده است می‌باشند و آن را پل جلفا هم می‌گویند. این پل تمام از آجر و سنگ بنا شده و سطح آن بیک میزان است. دو طرف آن از وسطش پست‌تر نیست، ۳۵۰ قدم طول و بیست قدم عرض دارد و زیر آن چندین چشمه و طاق از سنگ ساخته شده که خلی پست و کم ارتفاع است، در دو کناره پل راهروی به عرض هشت نه پا و به طول تمام امتداد پل که چندین طاق با پایه‌های مرتفع به ارتفاع ۲۵ یا ۳۰ پا سقف آن را نگاهداشته‌اند دیده می‌شود، اشخاصی که می‌خواهند هوا خوری کنند وقتی که خیلی گرم نباشد از بالای سقف راهروها عبور می‌نمایند، اما معبر معمولی از زیر آن راهروها است که به منزله نرده و نگهبان است و روزه نهائی به طرف رودخانه دراد که هوای لطیف و خنک از آنه داخل راهرو می‌شود. زمین راهرو از سطح پل خیلی بلندتر است و به توسط پله به راحتی بالای آنها می‌روند. فضای وسط پل مخصوص عبور گاری و دواب است و تقریباً ۳۵ پا عرض دارد. یک معبر دیگر هم دارد که در تابستان و وقع کمی آب به واسطه خنکی خیلی مطبوع است و آن از میان خود رودخانه است در خط مخصوصی که تخته سنگها نزدیک هرم اتفاق افتاده می‌توان از روی آنها رد شد بدون اینکه پاتر بشود. از تمام دهنه‌های زیر پل به واسطه درهائی که به هر چشمه

گذرانده‌اند می‌توان عبور نمود از پلکانی که در قطر پایه پل ساخته شده از روی پل به زیر چشمه‌ها و طاقها پائین می‌روند و همینطور پله‌هایی در دو طرف دارد که به بالای مهتابی روی راهروها صعود می‌نمایند و عرض راه پله‌ها بیش از ۲ تراز (۴ نرع تقریباً) است، و در دو طرف نرده و محافظی کشیده‌اند که از پرت شده جلوگیری می‌نمایند.

بنابراین این شش معبر در روی این پل وجود دارد: یکی در وسط و چهار تا در دو طرف که عبارت است از زیر و بالای راهروهای پلکان تنگی که به زیر پل می‌رود حقیقتاً این پل از روی صنعت و استادی بنا شده و می‌توان گفت قشنگترین صنعت و شاهکار ابنیه ایران است، اما بسی دور است از اینکه به استحکام پل نف پاریس ساخته شده باشد.

سرپرسی سایکس انگلیسی در شرحی که راجع به پل زاینده رود نوشته بود گفته بود که این پل با اینکه روی به ویرانی نهاده از پل‌های درجه اول عالم است و اما تاورنیه تعصب ملی نگذارده که در قضاوت خود انحراف نرزد، گرچه تاورنیه در کلیه موارد نظرش ساده نبود و اغلب خواسته است بناها و دیگر آثار ایران را کوچک و پست جلوه دهد و از دیگران هم استفاده کرده که در تجلیل اصفهان غلو کرده‌اند.

اینکه آرای مختلفی راجع به این پل نگاشته شد برای امکان استخراج نظر صحیح و صائب درباره آن بود و اینکه درستی و نادرستی نظرهایی چون نظر تاورنیه معلوم گردد. در هر حال اکنون این پل در اصفهان ممتاز و در درجه اول قرار دارد و چون از آثار باستانی به شمار می‌رود زیر شماره ۱۱۰، به ثبت تاریخی رسیده است.

شاه عباس اول به طوری که مورخان و سیاحان خارجی نوشته‌اند در هر حال در جشن آبریزان شرکت می‌کرد و اگر در اصفهان بود در کنار زاینده رود برابر پل سی و سه پل و اگر در مازندران بود در کنار دریای خزر، و گاهی روی پل سی و سه چشمه برگزار می‌کرد.

در کتاب زندگانی شاه عباس اول راجع به جشن نوروز که شاه در سال ۱۰۱۸ هجری در روی پل سی و سه پل برگزار کرده چنین نوشته است.

جشن نوروز غالباً از سه تا هفت شبانه روز دوام می‌یافت. گذشته از باغ نقش جهان پل اللهوردی خان را نیز آئین می‌بستند و چراغان می‌کردند. و گاه به فرمان شاه عباس بر سر پل مراسم گلریزان صورت می‌گرفت، و گل‌های فراوان در راه شاه و همراهان او ریخته می‌شد. از آن جمله در سال ۱۰۱۸ با آنکه جشن فروردین مصادف با ماه محرم بود، به فرمان شاه هفت شبانه روز جشن نوروزی گرفتند و بر سر پل گلریزان کردند و چون مردم اصفهان در چراغان و آئین بندی هنر نمائی بسیار کرده بودند، شاه مبلغ پانصد تومان از مالیات آن سال را به ایشان بخشید.

در تاریخ این جشن و گلریزان میر حیدر معمائی کاشی چنین سروده است:

گل گشت روی پل چو کند خسرو عجم گل گشت روی پل پی تاریخ کن رقم

موضوعی که باقی ماند تاریخ بنای پل است که بامر شاه عباس کبیر انجام شده است. آنچه مسلم است در سال ۱۰۱۸ که جشن گلریزان در حضور شاه عباس انجام گردید پل مزبور ساخته بوده است ولی مورخان سال اتمام را متفاوت نوشته‌اند:

اسکندربیک در عالم آراء در وقایع سال (۱۰۱۱) چنین نوشته:

در انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع، پست و بلند، نه طبقه جهت خاص پادشاهی طرح انداخته بیابان عباس آباد موسوم گردانیدند و پل عالی مشتمل بر چهل چشمه به طرز خاص، میان گشاده که در هنگام طغیان آب در کل، یک چشمه به نظر در می‌آید، قرار دادند که بر زاینده رود بسته شده هر دو خیابان بیکدیگر اتصال یابد.

حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع اسل ۱۰۰۵ ه.ق. (چنین نوشته:

شاه عباس اصفهان را پای تخت دائمی خود نموده طرح عمارات عالیه انداغخ، سر درب درب قیصریه جنگ او است با ازبکان.

و در وقایع سال (۱۰۰۸ ه.ق) چنین نوشته:

شاه از هرات به اصفهان آمده و تکمیل طرح عمارات و باغات که هر یک از امراء باغی به نما خود ساخته در حواشی چهار باغ کهنه در چهار باغ بالا.

و نیز در وقایع سال (۱۰۰۸ ه.ق) می نویسد:

شاه عباس به اصفهان برگشت، اللهوردیخان را فرمود پل زاینده رود را با عمارات دیوانی بساخت.

در وقایع سال (۱۰۱۲) نوشته است:

بنای سر درب عالی عیصریه و کاشی کاری ممتاز آن ...

میرزا علینقی کمره‌ای متخلص به نقی که از شعرای زمان بوده ماده تاریخی سروده که ابیات آن چنین است:

فلک قدر الله و یردی که قدر ز عباس شاه اندر ایام یافت

بامداد بیگ و یردی دادگر پلی کدر آغاز و انجام یافت

بسعی ملک سیرت آقا حسین بخیر العمل حسن اتمام یافت

به دست زبر دست صعب امیر چو بند امیر این بنا نام یافت

پی سال تاریخ این پل نیافت کسی خوبتر از «پل اتمام یافت»

ظاهراً گفته عالم آرا اینستکه پل در سال (۱۰۱۱ ه.ق) ساخته شد و گفته‌های جابر انصاری قسمتی حاکی است که در سال مزبور ساخته شده و قسمتی می‌رساند که دستور داده شده که بسازند و در قسمت نوشته که ساختن آن با سر در قیصریه مقارن بوده و حال آنکه ساختمان سر در قیصریه را از وقایع سال ۱۰۱۲ نوشته است. و هیچ اشاره بسند این گفته‌ها هم نشده است.

ماده تاریخ منسوب به نقی کمره‌ای هم حاکی است که ساختمان پل امیر در سال (۱۰۰۵ ه.ق) انجام یافته است ولی تاریخ شروع آن معلوم نیست و باید اذعان کرد که اگر منظور همان پل چهل چشمه و یا اللهوردیخان باشد محال است که در ظرف یکسال چنین پلی ساخته شده باشد و حدال باید در سال (۱۰۰۳ ه.ق) شروع شده باشد تا در (۱۰۰۵ ه.ق) به اتمام برسد.

آنچه به نظر می‌رسد این است که برای ساختمان عباس آباد مسلم است که باید ابتداء پل واسطه ساخته شود و سپس شروع به ساختمان آن طرف پل شود. تاریخ ساختمان چهارباغ یعنی اتمام آن مطابق ماده تاریخی که سروده‌اند و عالم آراء نوشته است. هزار و پنج هجری است و ماده تاریخ چنین است:

عجب چارباغی است بهجت فزا گرش ثانی خلد گویند شاید

چو تاریخ آن دل طلب کرد گفتم: نهالش به کام دل شه بر آید

که با حساب حروف جمل با هزار و پنج مطابقت دارد و نیز تاریخ تکگائی که در خیابان چهارباغ طبق دستور شاه عباس ساخته

شده سال هزار و یازده است که در تذکره نصرآبادی به نقل از تاریخ جلال منجم به شاه عباس اول منسوب شده و آن ماده تاریخ چنین است:

کلبه‌ای را که من شدم بانی مطلبم تکیه سگان علی است

زین سبب فیض یافتم ز اله که مرا مهر با علی ازلی است

خانه دلگشا شدش تاریخ چونکه از کلب آستان علی است

و از طرفی اللهوردیخانه در سال (۱۰۰۴ ه.ق) از طرف شاه عباس اول به ایالت فارس منسوب گردید و در آنجا به اداره امور و تمشیت می‌پرداخت تا اینکه حکومت کهگیلویه هم بر حزوه حکومتش افزوده گردید و از مجموع این تواریخ استنباط می‌شود که شاه عباس پس از استقرار به سلطنت و پیش از اینکه مقر خود را صافهان قرار دهد در صدد بوده که اصفهان را به پایتختی انتخاب کند و از این رو دستور داده بود که طرحهایی برای آبادی اصفهان مهیا کردن آن برای پایتختی ریخته شود و شاید اعزام اللهوردیخان به فراس هم از این نظر بوده که اقدامات عمرانی اصفهان هم زیر نظر او قرار گیرد و عمدتاً باید عمران اصفهان از بعد از تاریخ اعزام اللهوردیخان یعنی بعد از سال (۱۰۰۴ هجری) انجام یافته باشد و تقریباً هم همین طور است چه مطابق ماده تاریخی نقی کمره‌ای هم ساختمان پل اللهوردیخانه در سال (۱۰۰۵ ه.ق) اتمام یافته و عمران خیابان چهار باغ در (۱۰۰۵ ه.ق) و تکایا چهارباغ در (۱۰۱۱ ه.ق) و در سال (۱۰۲۵ ه.ق) تمام ساختمانهایی که از زمان شاه عباس شروع شده بوده سرانجام یافته بوده است.

و اما اینکه گفته شده در سال (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور ساختمان پل شده با تاریخ اتمام پل که (۱۰۰۵ ه.ق) باشد مغایر است، می‌توان گفت اللهوردیخان ابتداء طبقه زیرین پل را برای امکان عبور و مرور ساخته بوده که در (۱۰۰۵ ه.ق) به اتمام رسیده بوده و بعد در (۱۰۱۱ ه.ق) مأمور شده که پل را به اتمام برساند یعنی طبقه بالا را نیز بسازد که در موقع طغیان رودخانه هم عبور و مرور از طبقه دوم مقدور باشد و شاید طغیان رودخانه زاینده رود موجب تکمیل پل بوده است و با این فرض دیگر مغایرتی در بین نخواهد بود.

نظر دیگری هم امکان دارد و آن این است که بگوئیم پل موضوع ماده تاریخ نقی کمره‌ای در فارس بوده نه در اصفهان ولی چون در تاریخ چنین اشاره‌ای نشد ناچار باید پل موضوع ماده تاریخ نقی را همان پل سی و سه پل دانست.